

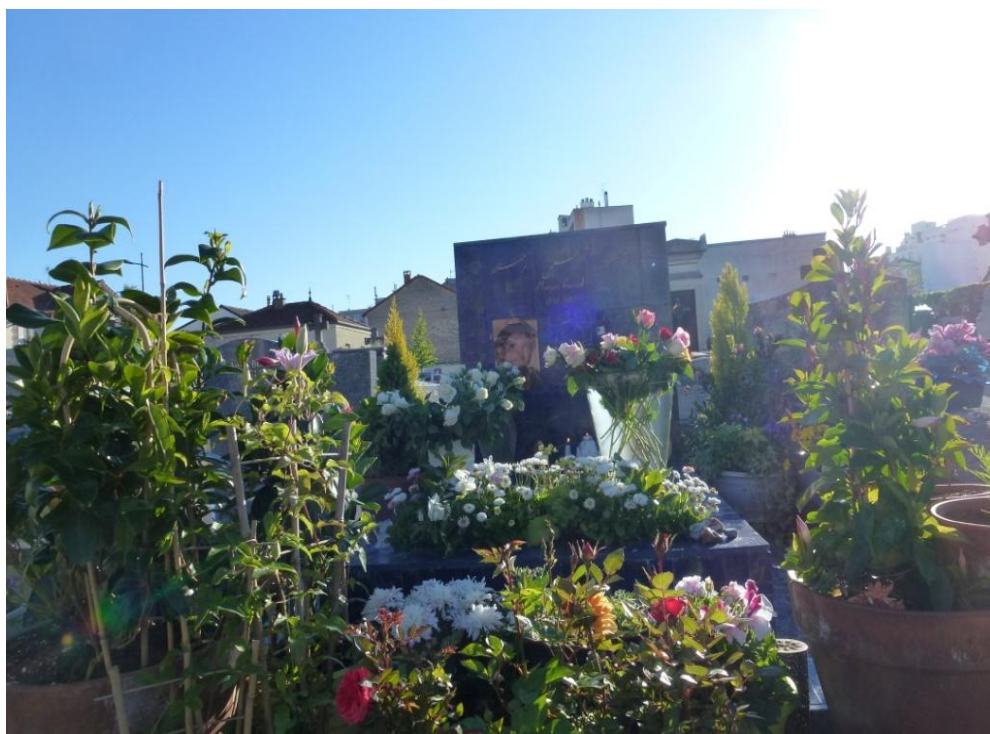
پنجشنبه ۰۴ جولای ۲۰۱۹

مرجان کمال

اسلام و اقتدار سیاسی  
نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی  
مترجم: فریده نوری

قسمت نزدهم

کجایی دختر غم پرور من عزیز خوب و از گل بهتر من  
هنوز هم با چنین ماتم نشینی همیشه مردن تو باور من



شورش شینواری ها:

اغتشاش شینواری ها با حمله توسط یک قسمت از کلان (clan) سنگوخیل ( Sangu khayl ) و یک گروه خورد علی شیر خیل و یک پوسته نظامی در محله پیش بولدک (Pech - Boldek) و اچین در قلمرو شینواری ها شروع شد.

در مقابل این اغتشاش جواب از طرف مسئولین دولتی داده نشد، و این سبب تشویق و قیام تعدادی زیادی از قبیله شینواری ها گردیده و به قلعه دکه (Dakka) و تورخم که بندر دخولی در سرحد شمال - غرب است (NWFP) یورش می برند.

«رهبران و سران قبایل، محمد علم و محمد افضل اعلان نمودند که آن ها از حمایت چهره های بلند پایه سیاسی کابل و چهره های مذهبی، حافظ صاحب از فقیرآباد برخوردار می باشند. (Poullade 1973 : 160).

یک تعداد زیاد توضیحات و دلایل برای یورش و حمله فوری شینواری ها موجو است که عبارت اند از: سربازگیری توسط دربار، (Ali Ahmad 1930) دسیسه انگلیس ها، نتیجه درگیری مسلحانه بین شینواری ها و غلزایی ها، ارتشاء قومندان نظامی (Fletcher 1965)، یک جواب به کوشش و تلاش حکومت برای جمع آوری مالیه (Taillard, 1929, Gregorian, 1969) یک عکس العمل به رقابت قبیله مهمند و بالاخره مداخله حکومت در مورد سیستم رشوه خواری که در بعضی مناطق، کاروان ها جهت حفاظت شان برای قبایل حق العبور می پرداختند».

خیلی ها حایز اهمیت است تا خاطر نشان شود که ادعا ها، خواسته ها و تقاضا های مذهبیون در این موقع یک رول کلیدی را در بسیج نمودن رهبران قبایلی بازی نمود. لئون پولده ( Léon Poullada) اغتشاش را مطلقاً قبایلی تحلیل نموده و خواسته ها مذهبیون بعداً به وقوع پیوست. و از طرف دیگر بوجود آمدن حملات و اغتشاشات در دیگر نواحی، دلالت به بلند رفتن گراف جرم ها و جنایت ها، مانند دزدی ها و رهنانی های مسلحانه و انواع مختلف جرایم نظر به فقیر شدن اهالی دهات و قریه جات و مخصوصاً با بلند رفتن مالیات از آن ها می باشد.

به تعقیب شورش شینواری دیگر قبایل مانند خوگیانی ها، خُدران و جاجی نیز داخل شورش گردیدند.

در سال 1928 میلادی یک گروه دیگر به سرکردگی حبیب الله کلکانی مشهور به بچه سقا (سقآب) در کوهدامن در شمال کابل باعث تهدید کابل گردید.

اغتشاش قبایل شرق، جمع حمله بر کابل توسط بچه سقا، امیر را مجبور به ترک کابل به طرف قندهار نموده و تاج و تخت را برای برادر خود عنایت الله خان رها نمود که نامبرده سه روز پادشاهی کرد.

بسیج شدن توسط بچه سقا نیز گنگ و مشکوک است، تا اندازه که از یک طرف دلالت به یک پدیده که به خراب شدن اوضاع اجتماعی به صورت عمومی در کشور می کند و از طرف دیگر

اغتشاش اهالی دهات و قصبات نظر به اصلاحات و بلند رفتن مالیات و همچنان زد و بند های وابسته به ارتباطات قومی.

نا گفته نباید گذاشت که ادعا های مذهبی انگیزه ایدیولوژیکی اساسی جهت اعتراض در مقابل رژیم پنداشته شده است. در اخیر جنگ اول افغان - انگلیس، جنبش مذهبیون باعث انتشار بسیار وسیع بیگانه ستیزی بر علیه خارجی ها شد که آن ها را کافر و دشمن اسلام در افغانستان معرفی نمودند. در شروع قرن بیستم مفکوره بیگانه ستیزی دامنگیر حکومت شده و تمام پروژه های نو سازی حکومت را، پروژه های غربی سازی مشخص و تعریف نمودند.

شورش سال 1928 میلادی یک پدیده بسیار مغلق بود از یک طرف زد و بند ها و خصومت ها بین قبایل و از طرف دیگر شرایط اجتماعی - اقتصادی با فقیر شدن دهات و قریه جات، و همچنان مذهبیون در حمایت و به راه اندازی اغتشاش رول به سزا داشتند.

### بیانیه سال 1928 میلادی: (Le manifeste de 1928)

در سال 1928 - 1929 میلادی یک بیانیه توسط رهبران قبایل نشر گردید که اهمیت ادعا های مذهبیون را در انکشاف اعتراضات تبارز می داد. در ابتدا موضوع مشخص در این سند ارائه ایدیولوژی پان - اسلامیزم می باشد.

«به تمام برادران مسلمان افغان و دیگر برادران مسلمان، در هر جایی دنیا که موقعیت دارند. شما حتماً شنیده اید که در شرق افغانستان یک قبیله بنام شینواری وجود دارد که سبب اغتشاش شده اند و حکومت کابل تصمیم دارد که این اغتشاش را خاموش کند و اردو را از کابل برای سرکوبی آن ها فرستاده است تا صلح و نظم را بر قرار سازد.» (اولسن استه Olsen Asta)

این نقل قول دو نقطه بسیار مهم برای دانستن این که در کدام محیط و شرایط، آخرین اغتشاشات قبایل به وجود آمد و سبب تغییر این دودمان گردید. رهبران قبایل به این فکر بودند که اتحاد مسلمانان یا پان - اسلامیزم یک موضوع و مطلب بدست آمده است، فلذا هر شخص به هر قبیله که مربوط باشد از همه چیز آگاه و با تمام دنیا می تواند تماس بگیرد. در نتیجه هر فرد و رهبر قبایل، مورد توجه مراجع بین المللی بوده و از کدر سرحدات که دولت می کوشد تا سرحدات را محکم بسازد، عبور می کند.

و همچنین اولسن استه علاوه می کند:

«قبیله که برای شناختاندن خود از هیچ نوع قربانی دادن زندگی اعضایش و مال و دارائی شان دریغ نکردند و برای رسیدن به اهداف و مقاصد شان از خود شجاعت و دلاوری نشان دادند، همانا قبیله شینوار است، تعداد جنگجویان شان به بیست هزار نفر بالغ می شد این قبیله در دامنه سفید کوه در جنوب جلال آباد اقامت گزین می باشند».

در این شرایط افکار اتحاد تمام مسلمانان جهان و یا پان - اسلامیزم همراهی می کند افکار اشخاص و افرادی که به قبیله ارتباط دارند و دارای یک قلمرو می باشند، و به قبایل اجازه می دهد تا در ساحة ساختار های سیاسی پیوند ببندند. متن این گونه ادامه می یابد:

«در قدم اول تشکیل حکمران هائی است که مطلقاً پاک از فساد اداری و برخلاف اعمال ضد شریعت مانند خواندن نماز، اصلاح و تراشیدن ریش و بروت، برداشتن حجاب خانم ها و ندادن اهمیت به احکام شرعی باشند».

فلهذا چوکات اساسی ادعا و مطالبه رهبران جهت بسیج نمودن همانا هویت اسلامی و احترام از شریعت می باشد.

در یک مجلس که در شرق در هده برگزار شد، و در اثر آن یک موافقه بین القبایلی تصمیم به تشکیل یک اتحاد وسیع و بزرگ علیه پادشاه گرفته شد.

باید تذکر داد که خوگیانی ها با بیست هزار نفر در مقابل نه هزار عسکر اردو که جهت تقویه روان شده بود موفق به پیروزی در نیمه، یک محله خورد در بالای قلمرو خوگیانی گردیدند، قلمرو خوگیانی در همجواری قلمرو شینواری واقع می باشد. این پیروزی نظامی سبب پیروزی سیاسی گردید، یعنی بدست آوردن استقلال قلمرو.

این موفقیت سیاسی این طور افاده گردید:

حالا که تمام ارتباطات با حکومت کابل قطع گردیده است، قلمرو شرق به قرار قوانین و مقررات شریعت که توسط علما تجویز گردیده است، رهنمای واقعی ما می باشد.

این نقطه فوق العاده با اهمیت است، زیرا به اصطلاح و منطق مطلقاً قبایلی رسیدگی از امور توسط جرگه ها که اعضای آن را مذهبیبون، علما و ملا ها تشکیل می دهد و اقتدار سیاسی به واسطه مذهبیبون پیش برده می شود.

زیرا برای مذهبیبون اصلاحات امیر امان الله خان علیه قوانین و مقررات شریعت حنفی است و مثال های زیاد وجود دارد، مانند حجاب خانم ها، تعلیم برای دختران، قوانین ازدواج و فساد اداری دولتی.

تمام این ثبوت‌ها و توجیه‌دادن‌های مذهبی، قبایل شمال و جنوب را متوجه می‌سازد، که انگیزه قبایل شرقی فقط استقرار عدالت است، در آن صورت آن‌ها نیز از حکومت حمایت نخواهند کرد و ما را همراهی خواهند نمود.

این پیام‌های است که برای قبایل شمال و جنوب یا به هدف بسیج شدن شان آن‌ها علیه حکومت کابل، و یا اقلأً بیطرف ماندن شان، روان گردید. اداره و بسیج نمودن مردم، تمام گروه‌ها و طبقات از صلاحیت‌های مذهبیون بود، برای این که مردم بسیج شوند کفایت می‌کرد تا دلیل آن دفاع از شریعت گفته شود.

ادامه دارد